

درآمدی بر گفتگوی دولت و بخش خصوصی  
(تجربه بین‌المللی ناظر به حکم ماده (۷۵) قانون  
برنامه پنجم توسعه)

این گزارش خلاصه‌ای تحلیلی از زیر است:

*The PPD Hand book*  
*A Toolkit For Business Environment Reformers*

## به نام خدا

### فهرست مطالب

چکیده	۱
مقدمه	۱
۱. مزایا، مخاطرات و مراحل گفتگو بین دولت و بخش خصوصی	۳
۲. منشور تجارب مثبت در استفاده از گفتگوی دولت و بخش خصوصی به منظور توسعه بخش خصوصی	۱۰
۳. طراحی، اجرا و نظارت بر سامانه گفتگو	۱۷
۴. ساختار نظارت و ارزیابی گفتگوی دولت و بخش خصوصی	۳۰
منبع و مأخذ	۳۴



## درآمدی بر گفتگوی دولت و بخش خصوصی<sup>۱</sup> (تجربه بین‌المللی ناظر به حکم ماده (۷۵) قانون برنامه پنجم توسعه)

### چکیده

شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی که تشکیل آن در کشورمان براساس ماده (۷۵) قانون برنامه پنجم توسعه ضروری شده است، نهاد و ابزاری نوظهور برای بهبود محیط کسب‌وکار تلقی می‌شود. تجربیات بین‌المللی گفتگوی دولت و بخش خصوصی نشان داده است که در صورت ایجاد تفاهم و اقناع، بسیاری از موانع تولید و سرمایه‌گذاری می‌تواند در این فرآیند طرح و از میان برداشته شود.

گزارش حاضر، این تجربیات بین‌المللی را در اختیار سیاستگذاران و تصمیم‌سازان قرار می‌دهد و الزامات و شرایط موفقیت این نهاد برای بهبود محیط کسب‌وکار و نیز مخاطرات احتمالی را در این مسیر تشریح می‌کند.

گفتگوی دولت و بخش خصوصی می‌تواند علاوه بر بهبود محیط کسب‌وکار، اطلاعات هرچه دقیق‌تری از وضعیت مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار را در اختیار سیاستگذاران و دولتمردان کشور قرار دهد و به افزایش شفافیت در اقتصاد، رشد اعتماد متقابل میان دولتمردان و فعالان اقتصادی و نیز رشد همبستگی اجتماعی بیانجامد.

دستیابی به این کارکردها، مستلزم شفافیت و فراگیری فرآیند گفتگو و وجود انعطاف لازم در فعالان اقتصادی و نیز دولتمردان و قانونگذاران است.

### مقدمه

گفتگوی دولت و بخش خصوصی<sup>۲</sup> یا به عبارت دیگر، گفتگوی بین بخش‌های خصوصی و عمومی را می‌توان ابتکاری نوین تلقی کرد که از سال ۲۰۰۶ و پس از برگزاری کارگاه بین‌المللی گفتگوی دولت و بخش خصوصی با همکاری مجموعه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی، مورد توجه قرار گرفته است.

۱. این گزارش خلاصه‌ای تحلیلی است از:

هرچند تعامل دولت با بخش خصوصی در بسیاری از کشورهای جهان به خصوص کشورهای توسعه‌یافته از دیرباز مورد توجه بوده است، اما تئوریزه شدن مفهوم گفتگوی دولت و بخش خصوصی به پنج سال اخیر برمی‌گردد. هدف از طراحی این گفتگو به‌طور خلاصه توانمندسازی بخش خصوصی و توسعه هرچه بیشتر این بخش است. بهبود فضای سرمایه‌گذاری و محیط کسب‌وکار، ایجاد شفافیت و از همه مهمتر، ایجاد فضای اعتماد بین بخش خصوصی و دولت نیز از اهداف میانی این ابتکار است.

براساس ماده (۷۵) قانون برنامه پنجم توسعه و دو تبصره آن، این سامانه در ایران با تشکیل شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی مورد توجه قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

گزارش پیش رو در حقیقت ترجمه و تلخیص کتاب «The PPD Handbook» به‌عنوان یکی از معدود منابع موجود در زمینه گفتگوی دولت و بخش خصوصی است و در آن سعی شده است تا ابعاد مختلف این ابتکار هرچه بیشتر نمایان شود. به این منظور در ابتدا مزایا، مخاطرات و مراحل

۱. ماده (۷۵) - به‌منظور تبادل نظر دولت و بخش‌های خصوصی و تعاونی و تسهیل فعالیت‌های اقتصادی این بخش‌ها، بررسی و رفع موانع کسب‌وکار و اتخاذ تصمیم مؤثر برای اقدامات لازم در چارچوب قوانین و مقررات موجود و ارائه پیشنهادها و راهکارهای اجرایی مناسب به مراجع ذیربط، شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی با ترکیب اعضای زیر تشکیل می‌شود:

۱. وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس شورا)،
  ۲. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران،
  ۳. معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور،
  ۴. وزیر صنایع و معادن،
  ۵. وزیر تعاون،
  ۶. وزیر بازرگانی،
  ۷. وزیر جهاد کشاورزی،
  ۸. وزیر کار و امور اجتماعی،
  ۹. وزیر نفت،
  ۱۰. وزیر نیرو،
  ۱۱. دو نفر از معاونان قوه قضائیه به انتخاب رئیس قوه،
  ۱۲. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی،
  ۱۳. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی،
  ۱۴. رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی،
  ۱۵. رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی،
  ۱۶. رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران،
  ۱۷. دبیرکل اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران،
  ۱۸. شهردار تهران،
  ۱۹. هشت نفر از مدیران عامل شرکت‌های برتر خصوصی و تعاونی از بخش‌ها و رشته‌های مختلف.
- تبصره «۱» - نحوه انتخاب اعضای ردیف ۱۹ و چگونگی تشکیل جلسات که حداقل هر پانزده روز یکبار برگزار می‌شود و ارائه پیشنهادها و گزارش‌ها طبق دستورالعملی است که در نخستین جلسه شورا تهیه و تصویب می‌شود.
- تبصره «۲» - محل دبیرخانه این شورا بدون دریافت کمک از دولت در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است.



گفتگو مورد توجه قرار گرفته است، در بخش بعد منشور گفتگوی دولت و بخش خصوصی ارائه شده، در ادامه راهکارهای عملیاتی کردن منشور و در نهایت نیز نظارت و ارزیابی بر فرآیند گفتگو بررسی شده است.

شایان ذکر است که در پی تصویب و ابلاغ قانون برنامه پنجم توسعه، اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران به‌عنوان دبیرخانه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی، مطابق این قانون، تمهیدات تشکیل این شورا را فراهم کرد و موفق شد اولین جلسه شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی را در روز سه‌شنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۹۰ در محل اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران برگزار و از این نهاد جدید رسماً رونمایی کند.

### ۱. مزایا، مخاطرات و مراحل گفتگو بین دولت و بخش خصوصی

گفتگو بین دولت و بخش خصوصی راهکار نوظهوری نیست؛ در بسیاری از کشورها این گفتگو ویژگی زندگی اجتماعی طی دهه‌ها بوده است. اما در سال‌های اخیر، توجه بیشتری به این مقوله به‌عنوان وسیله‌ای برای رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری و توسعه بخش خصوصی شده است. این سامانه در سال‌های اخیر به بخش مهمی از ابزار اصلاح فرآیندهای اداری، سیاستگذاری‌ها، قوانین و نیز رفتار بخش خصوصی بدل شده و اهمیت آن در طول زمان افزایش یافته است. نظر به اهمیت موضوع، لازم است تلقی از این گفتگو، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آن، افزایش یابد.

گفتگوی بین دولت و بخش خصوصی، می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد. این گفتگو می‌تواند قاعده‌مند و عمومی باشد یا عمومیت نداشته باشد، رسمی یا غیررسمی باشد، دامنه وسیعی را تحت پوشش قرار دهد یا فقط بر موضوعات مشخصی تمرکز کند. می‌تواند توسط دولت آغاز شود و کارآفرینان نقش کمتری در آن داشته باشند و یا چندجانبه بوده و عوامل مختلف اقتصادی در آن نقش داشته باشند. برخی اوقات، مشارکت نمایندگان بخش خصوصی در این سامانه محدود است و پاره‌ای اوقات، واحدهای کارگری و گروه‌های مختلف جامعه مدنی با آن همراه می‌شوند. این گفتگو می‌تواند در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی برگزار شود؛ ممکن است سازماندهی آن توسط بخش صنعتی، خوشه‌ها یا زنجیره ارزش انجام شده یا مسائل اقتصادی بین‌بخشی را پوشش دهد.

گفتگو بین دولت و بخش خصوصی، مستقیماً منجر به اصلاحاتی در سیاست‌ها در سراسر جهان شده است. در مالاوی<sup>۱</sup> کارگروه ملی<sup>۲</sup> نقش قابل توجهی در اصلاحات مالیاتی و بهبود عرضه

1. Malawi

2. National Action Group

برق داشته است. در ویتنام، مجمع بخش خصوصی<sup>۱</sup> موجب حذف سیستم قیمتگذاری دوگانه برای شرکت‌های داخلی و خارجی شده است. در اوکراین، این سامانه در سطح محلی باعث شده است تا شهرداری شهرهای کراسنودن<sup>۲</sup> و لوهانسک ابلست<sup>۳</sup>، پنجره واحدی را برای مجوزها ایجاد کنند.

### ۱-۱. مزایا و کارکردهای گفتگو بین دولت و بخش خصوصی

۱-۱-۱. تسهیل اصلاحات در فضای سرمایه‌گذاری به وسیله حمایت از پیشروان اصلاحات، ایجاد تحرک و شتاب بخشیدن به فرآیند اصلاحات

گفتگو بین دولت و بخش خصوصی دارای آثار بالقوه وسیعی است؛ این گفتگو تنها در جهت تسهیل، شتاب بخشیدن و پیوند دادن اقدامات رو به پیشرفت عمل می‌کند. تعامل دولت و بخش خصوصی، شروطی را که موجب تزلزل یا شکست این اقدامات شود تحمیل نمی‌کند. مهمترین منفعت مشهود این گفتگو، ایجاد و تسریع اصلاحات سیاستی است. این اصلاحات می‌تواند شامل وضع مقررات جدید، اصلاح، تعدیل یا حذف مقررات جاری، حذف یا ساده‌سازی مقررات و کنترل‌ها، استانداردسازی مراحل دستیابی به اختیارات قانونی مختلف و تأسیس نهادهای جدید باشد. مادامی که مذاکرات قاعده‌مند مکانیسم گفتگو بین دولت و بخش خصوصی بتواند بر بهبود کیفیت تلاش‌های اصلاح‌طلبانه اثرگذار باشد، ایجاد شرایطی پایدار برای بهبود فضای سرمایه‌گذاری است بزرگ‌ترین تأثیر آن خواهد بود.

### ۱-۱-۲. آسیب‌شناسی بهتر مشکلات فضای سرمایه‌گذاری و طراحی اصلاحات سیاستی

دولت‌هایی که محدودیت‌های بخش خصوصی را می‌شنوند احتمالاً بیشتر برای خصوصی‌سازی‌های مناسب چاره‌جویی کرده و بیشتر برای اصلاحات عملیاتی، برنامه‌ریزی می‌کنند. گفتگو بین دولت و بخش خصوصی می‌تواند سرمایه‌گذاران را به داشتن دیدی بلندمدت و تبعیت مناسب‌تر از قوانین و مقررات ترغیب کند. وقتی دولت و عوامل اقتصادی، متقابلاً به یکدیگر بدبین بوده و به مکالمه و تبادل افکار بی‌علاقه باشند، سرمایه‌گذاران با کمبود اطمینان روبرو بوده و به شکل نامناسبی به سمت درآمدهای کوتاه‌مدت و بخش غیررسمی حرکت خواهند کرد.

### ۱-۱-۳. تسهیل اجرای اصلاحات سیاستی

وقتی کارآفرینان دریابند که دولت به یک بسته اصلاحی رسیده است، علاقه بیشتری خواهند داشت

---

1. Private Sector Forum  
2. Krasnodon  
3. Luhansk Oblast



تا آن را بپذیرند و در عمل با این اصلاحات همراه شوند. معمولاً بسیاری از مقررات به علت ضعف پیگیری آن تا اجرای مطلوب، فقط به یک کتاب قانون تبدیل شده‌اند و آثار کوچکی در واقعیت دارند. سامانه گفتگو بین دولت و بخش خصوصی می‌تواند به اطمینان از اینکه اصلاحات واقعاً اجرایی می‌شوند کمک کند. این امر از طریق کمک به افزایش آگاهی از تغییرات، دریافت بازخور اطلاعات و تحمل آثار ناشی از اجرای تصمیمات ممکن خواهد بود.

#### ۴-۱-۱. افزایش شفافیت،<sup>۱</sup> حکمرانی خوب،<sup>۲</sup> نگاهی جامع‌تر به مسائل به‌وسیله توجه بیشتر

##### به تحلیل‌های هزینه فایده و همچنین ایجاد فشار به منظور بهبود امنیت اجتماعی

بدون داشتن ساختاری که توسط این سامانه شکل گرفته است، هر رشته تجاری یا صنعتی، تمایل به اتخاذ استراتژی‌های کوتاه‌مدت برای پیشبرد خواست‌های خویش دارد: یک بخش برای یک اصلاح خاص فشار می‌آورد که در واقع آثار ناخوشایندی برای سایر بخش‌ها به دنبال دارد. سیستم ارزیابی و نظارت ارائه شده توسط اقدامات سامانه، فرهنگ مجاب کردن دولت برای انجام اصلاحات قانونی با ارزیابی همه‌جانبه را افزایش می‌دهد.

#### ۵-۱-۱. ایجاد فضای اعتماد و فهم متقابل بین بخش خصوصی و دولت و بهبود همبستگی

##### اجتماعی

در بسیاری از کشورها، بدگمانی و سوءتفاهم بین دولت و بخش خصوصی، تلاش‌های اصلاح‌طلبانه را مختل می‌کند. گفتگو می‌تواند وفاق، اعتماد و فهم متقابل بین دولت و بخش خصوصی را با ایجاد بستری قانونی برای تعامل بخش‌های گوناگون ایجاد کند.

#### ۲-۱. مخاطرات گفتگو

سامانه گفتگو علایج عام برای همه دردها و مشکلات نیست؛ چنانچه این ایده بد اجرا شود، نه تنها زمان و منابع مشارکت‌کنندگان را هدر خواهد داد، بلکه مشکلاتی را که قرار بود از خلال این گفتگو حل شوند، پیچیده‌تر می‌کند. به‌طور کلی ۶ عامل را می‌توان به‌عنوان مخاطرات مهم این ابتکار برشمرد:

#### ۱-۲-۱. اگر گفتگو به اندازه کافی شفاف و گسترده نباشد، می‌تواند منافع عده‌ای را گسترش

##### دهد و فرصتی برای رفتارهای سودجویانه فراهم آورد

در صورتی که سایر مبادی ارتباط بین دولت و جامعه ضعیف باشد، گفتگو بین دولت و بخش

1. Transparency  
2. Good Governance

خصوصی فرصت و مخاطره را به صورت توأمان ایجاد می‌کند. تشکیل صحیح و مناسب سامانه گفتگو می‌تواند امکان شنیده شدن صدای عوامل اقتصادی را توسط دولت، که راه دیگری برای شنیدن نظرات بنگاه‌ها ندارد، فراهم کند. در نتیجه، دولت با استماع نظرات عوامل اقتصادی، کیفیت سیاستگذاری‌های خود را بهبود خواهد بخشید. در مقابل، اجرای نامناسب گفتگو می‌تواند تأثیرات ناخوشایندی داشته باشد و با تقویت ارتباطات بین سیاستگذاران و لابی‌کننده‌ها، که لزوماً نمایندگان بخش خصوصی نیستند، پوشش قانونی برای سیاست‌های نادرست و ضعیف ایجاد کند.

استراتژی مناسب برای جلوگیری از این مخاطره، تعهد و التزام کامل به شفافیت، دعوت کردن از تعداد زیادی از گروه‌ها در فرآیند گفتگو برای حصول اطمینان از سطح بالای شمول و ایجاد یک مکانیسم نظارت و ارزیابی مناسب است. راه دیگر برای جلوگیری از این مخاطره، اطمینان از عدم محدودیت بحث در مورد موضوعات مختلف در این سامانه است.

#### ۲-۱. خطر محدود شدن گفتگو به شرکت‌های بزرگ

اگر ابتکار گفتگو تلاش‌های ویژه‌ای برای وارد کردن بنگاه‌های کوچک و متوسط به گفتگو و وارد کردن مناطقی که این بنگاه‌ها بیشتر در آنجا وجود دارند انجام ندهد، ممکن است کسب‌وکارهای بزرگ یا کسب‌وکارهای ایجاد شده در شهرهای بزرگ، بر این گفتگو مسلط شوند.

دعوت از نمایندگان تعداد اندکی از مؤسسات بزرگ، آسان‌تر از کار کردن با تعداد زیادی از مؤسسات کوچک است. بی‌شک سازماندهی تعداد اندکی از نمایندگان مؤسسات بزرگ آسان‌تر بوده و احتمال اینکه این تعداد اندک نمایندگان به یک شکل سخن بگویند، بیشتر است. با مفروض داشتن سختی تشکیل سامانه گفتگو، تمرکز بر همفکری و رایزنی با حجم نسبتاً کوچکی از نمایندگان بنگاه‌های بزرگ، مسیری است که دولت‌ها کمتر می‌توانند در مقابل آن مقاومت کنند. این کشش اجتناب‌ناپذیر، اغلب باعث می‌شود که خواست‌های بنگاه‌های کوچک و متوسط از طریق نمایندگان جمعی و تشکیلی ایشان در گفتگو مطرح شود. در این شرایط بنگاه‌های کوچک و متوسط تقریباً از مشاوره مستثنا می‌شوند؛ زیرا انجمن‌ها و تشکل‌هایی که به صورت تئوریک وظیفه انتقال نظرات این بنگاه‌ها را دارند، در عمل، نظرات اعضای بزرگ‌تر را بیشتر منتقل می‌کنند.

استراتژی تکمیل‌کننده یا جایگزین، دنبال کردن برنامه‌های بالاسری است که فارغ از انجمن‌ها و تشکل‌های تجاری به دنبال راهی برای برقراری مستقیم ارتباط با بنگاه‌های تجاری کوچک در گفتگو هستند.

#### ۳-۲-۱. خطر تبدیل شدن شورای گفتگو به کارگاه سخنرانی

در صورتی که برنامه‌ریزی ضعیف و بدون تمرکز باشد، می‌تواند سطح گفتگو را صرفاً به یک کارگاه



سخنرانی<sup>۱</sup> تقلیل دهد و در نتیجه، باعث سرخوردگی، قطع روابط و از دست رفتن اعتبار آن شود. کارگاه سخنرانی، اصطلاحی است که عموماً در ادبیات مرتبط با گفتگوی دولت و بخش خصوصی تکرار می‌شود و به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن بحث‌ها طولانی و پراکنده هستند، نتایج بنیانی و کارآمدی به دست نمی‌آید و علاقه و توجه افراد به موضوع کاهش می‌یابد. اهداف، استراتژی‌ها و برنامه‌های ارائه شده برای گفتگو می‌تواند این مشکلات را تقلیل دهد. چنانچه دستورجلسه مشخص و روشن بوده و از پیش به اطلاع همه رسیده باشد و چنانچه پیشنهادها بنیادین مناسبی که نیازمند بحث است در دستورجلسه پیش‌بینی شده باشد، احتمال اینکه جلسه به کارگاه سخنرانی تبدیل شود کاهش می‌یابد. یک مسئول با تجربه و کارآمد می‌تواند خطر انحراف جلسات را به حداقل برساند. یک راه‌حل دیگر برای اجتناب از این مشکل، تغییر ترکیب کمیته‌های کارگروه‌ها و یا بستن و حذف کردن برخی از این کارگروه‌ها و آغاز کارگروه‌های جایگزین است.

#### ۴-۲-۱. خطر وابستگی گفتگو به یک شخص

وقتی ساختار گفتگو بین دولت و بخش خصوصی وابسته به فرد خاصی باشد، می‌تواند تبدیل به نمایش یک‌نفره شود و با از دست رفتن علاقه آن فرد کلیدی به موضوع و یا جابجایی وی، گفتگو بین دولت و بخش خصوصی از بین برود.

بدون شک، ساختار مشارکت رقابتی می‌تواند منجر به ایجاد اعتماد به یک فرد خاص شود ولی وابستگی فراوان به اشخاص می‌تواند یک مخاطره قابل توجه باشد.

اگر به اندازه کافی برای شمول و دامنه گفتگو تلاش نشود، این فرآیند می‌تواند سیاسی و وابسته به گروهی خاصی شود.

در برخی از کشورها، رهبران شرکت‌ها ممکن است رهبران گروه‌های سیاسی نیز باشند. این امر، غیرسیاسی و بی‌طرف نگاه داشتن گفتگو را برای دولت بسیار مشکل می‌سازد. ممکن است دولت‌ها برای خارج کردن جناح‌هایی که در مقابل آن قرار دارند وسوسه شده و در نتیجه، گفتگو شانس کمتری برای ایجاد اصلاحات مناسب داشته باشد. یک برنامه بالاسری مؤثر می‌تواند فرآیند غیرسیاسی کردن گفتگو را به وسیله تأیید منافع اشخاص حقیقی یاری دهد.

#### ۵-۲-۱. خطر سردرگمی در پیگیری اهداف گفتگو

اگر هماهنگی‌های لازم با مؤسسات موجود یا سایر مکانیسم‌های گفتگوی موجود صورت نگیرد، انجام اقدامات و تلاش‌های تکراری می‌تواند منجر به سردرگم شدن مشارکت‌کنندگان شود.

برخی سازوکارهای گفتگو بین دولت و بخش خصوصی ممکن است به‌طور متناقض باعث تضعیف موفقیت‌های آن شود. سازمان‌های مشابه ممکن است فعالیت‌های مشابهی را آغاز کرده باشند و کارهای تکراری، اثرگذاری کلی را به دلیل سردرگمی مشارکت‌کنندگان کاهش دهد. در عین حال چنانچه سامانه گفتگو در شرف تأسیس باشد، ایجاد آن از طریق جدا کردن بخشی از مؤسسات موجود، استفاده از قابلیت‌های این مؤسسات را غیرممکن می‌سازد. در واقع یکی از دلایل در نظر گرفتن مشارکت‌کنندگان جدید برای ایجاد سامانه جدید، ضعف مؤسسات موجود در انجام وظایف و نقش تئوریک آنهاست.

### ۳-۱. مراحل گفتگو

در نظر گرفتن گفتگو بین دولت و بخش خصوصی در قالب فازهای مختلف، می‌تواند روش مناسبی برای تلاش در جهت مشخص کردن جنبه‌های مختلف آن باشد. عمر طبیعی یک چنین شراکتی می‌تواند در قالب سه فاز مجزا مد نظر قرار گیرد:

#### فاز یک: مرحله اکتشاف

این فاز که بسته به شرایط ممکن است بین ۶ ماه تا سه سال به طول بیانجامد، بر ایجاد اعتماد بین دولت و بخش خصوصی تمرکز می‌کند. در این فاز به عوامل مشارکت‌کننده، آموزش‌های لازم درخصوص چگونگی رفتار با یکدیگر ارائه می‌شود. این فاز به این سؤال پاسخ می‌دهد که چه چیزهایی به‌عنوان پیشنهادها، قابل عملیاتی شدن است. این فاز، دوره‌ای مقدماتی است که در آن فرآیند گفتگو شکل می‌گیرد و با آزمون کارگروه‌های مختلف و انواع دبیرخانه‌ها، حدود اصلاحات هدفگذاری شده و نیز حساسیت‌های سیاسی درخصوص دستورات جلسه‌ها و ... امتحان می‌شود.

در فاز یک نباید انتظار داشت که منافع اقتصادی قابل توجهی در نتیجه مشارکت و گفتگو حاصل شود. اولین و ساده‌ترین نتایجی که می‌توان در این فاز به دست آورد آن است که مشکلاتی که مشارکت‌کنندگان در گفتگو می‌توانند در مسیر حل آن قدم بردارند - و نه مشکلات اساسی و ادامه دار - مد نظر قرار گیرند. وارد کردن مسائل عمده در دستورات جلسه در طول دوره این فاز امکانپذیر است، اما این استراتژی مخاطرات فراوانی را سبب شده و احتمال شکست را افزایش می‌دهد که این امر نیز می‌تواند نتایج منفی برای سازوکار گفتگو به دنبال داشته باشد.

#### فاز دو: مرحله آثار بزرگ

این فاز که مدت زمان آن ممکن است از یک تا دو یا سه سال به طول بیانجامد، بسیار پربارتر از فاز



نخست است. مشارکت‌کنندگان با مشاهده نتایج اولیه، انگیزه پیدا کرده‌اند و برای طراحی پیشنهادهای اصلاحی باتجربه‌تر هستند و احتمال اینکه بتوانند به موفقیت‌های بیشتری در زمینه طراحی و اجرای این پیشنهادها دست یابند، بیشتر است. در این فاز، فرآیند سازماندهی به‌گونه‌ای است که مسائل و پیشنهادها با تمرکز بیشتری انتخاب و با در نظر داشتن مسائل فنی مد نظر قرار گرفته‌اند. در حقیقت، سازوکار گفتگو اصلاحاتی با قابلیت اجرای بیشتر را در این مرحله ایجاد می‌کند. به دلیل ظرفیت ایجاد شده در فاز نخست (توسط دولت و بخش خصوصی)، فاز دوم ظرفیت‌های فراوانی دارد. به این دلیل مسائلی همچون نیروی کار و مالیات در این فاز بررسی می‌شوند. صاحبان کسب‌وکار به دلیل نتایج حاصل از فاز نخست جسورتر شده‌اند و تلاش می‌کنند تا اصلاحات بیشتری را به دولت پیشنهاد دهند. از طرف دولت نیز با توجه به اینکه محدودیت‌های اساسی در فاز نخست اصلاحات از بین رفته‌اند، مقامات رسمی فشار کمتری را نسبت به روزهای اولیه گفتگو برای موافقت با خواسته‌های بخش خصوصی احساس می‌کنند. هرچند در فاز دوم، آثار اقتصادی گفتگو در حد بیشینه قرار دارد، اما این فاز به‌طور بالقوه می‌تواند فاز بحرانی و تعارض نیز نامیده شود. در این فاز، تعداد زیادی از کارگروه‌ها حذف می‌شوند و تعداد دیگری ممکن است به‌وجود بیایند. چنین تعارضاتی ممکن است فرآیند گفتگو را در راه دستیابی به نتایج موفقیت‌آمیز با شکست مواجه سازد.

### فاز سوم: مرحله پایداری، انتقال و خروج

ابتکار گفتگو بین دولت و بخش خصوصی برای پر کردن جای خالی مؤسسات واسط بین بخش خصوصی و دولت به‌وجود می‌آید. اگر در اثر این گفتگو، اطمینان متقابل حاصل شده باشد و اگر بنگاه‌های بخش خصوصی در ارتباط با مقامات رسمی و اداری قرار گرفته باشند، چه آینده‌ای پیش روی این مکانیسم مشاوره‌ای قابل تصور است؟ آیا باید گفتگویی که ایجاد شده و در چارچوب قرار گرفته است همچنان برقرار باشد یا انرژی و ظرفیت ایجاد شده در فازهای اول و دوم به‌جایی دیگر منتقل شود؟ این مرحله را می‌توان سخت‌ترین مرحله دانست که سناریوهای ممکن متعددی از ترکیب چهار انتخاب برای آن قابل پیش‌بینی است. این چهار انتخاب عبارتند از:

**الف) تأمین پایداری از طریق انتقال به مؤسسات و تشکل‌های تجاری:** در این گزینه فرض می‌شود که دو فاز نخست گفتگو به اندازه کافی موفق بوده‌اند. در این صورت بین اداره‌کنندگان امور و نمایندگان کسب‌وکارها، ظرفیت کافی گفتگو به‌وجود آمده است و سطح و شدت گفتگو حتی اگر برچیده شود طبیعی خواهد ماند. این وضعیت می‌تواند سطح ویژه‌ای و آرمانی تلقی شود که در آن طرفین، بدون واسطه و به‌سرعت می‌توانند با یکدیگر به تبادل نظر بپردازند.

ب) انتقال ابتکار آغازین به سازمان‌های موجود: بجز حالت آرمانی قبل، سرپرست پروژه گفتگو ممکن است ابتکار گفتگو را به مؤسسه خصوصی یا دولتی موجود انتقال دهد.

ج) تغییر کارکرد گفتگو بین دولت و بخش خصوصی به عنوان یک سازوکار دائمی از طریق نهادسازی: باقی ماندن سامانه گفتگو به عنوان مؤسسه‌ای دائمی نیز می‌تواند به عنوان یک گزینه مناسب مطرح باشد. اگر گفتگو، تکراری و موازی با سایر مؤسسات نباشد، ممکن است به مکانیسم انتخاب برای راهیابی بخش خصوصی به مسائل دولت و برعکس آن تبدیل شود. به علاوه چنانچه این گفتگو مناسب عمل کند، چه دلیلی برای جایگزینی آن وجود خواهد داشت؟ هر چند این ایده جذاب است اما باید توجه داشت که عملی کردن آن مشکل است، زیرا ممکن است کارگزار برگزارکننده آن بی طرف باقی نماند نتیجه اینکه به نظر می‌رسد انتقال رسمی این گفتگو به یک ساختار دولتی، منافع اصلی آن را از بین خواهد برد.

د) انقضا و خروج قطعی. صرف انرژی زیادی برای ادامه سازوکاری که در مقطعی خاص موفق بوده و هم‌اکنون قابلیت‌های خود را از دست داده است، بیهوده به نظر می‌رسد.

## ۲. منشور تجارب مثبت در استفاده از گفتگوی دولت و بخش خصوصی به منظور توسعه بخش خصوصی<sup>۱</sup>

تشخیص آنکه رشد و پیشرفت اقتصادی وابسته به محیط کسب‌وکار برای بنگاه‌های خصوصی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مناسب است و همچنین مشخص شدن این نکته که بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی نیاز به دامنه وسیعی از سیاست‌ها و نهادهای حامی بخش خصوصی، زیرساخت‌ها، خدمات و حمایت‌های قانونی و به‌خصوص در قالب یک چارچوب سیاستی منسجم و حساس به خواسته‌های همه بخش‌های جامعه دارند، امری ضروری است.

رعایت اصلاحات در نظر گرفته شده برای محیط کسب‌وکار در حالتی که گفتگو تعداد زیادی از افراد منتفع از اصلاحات را دربردارد، در زمینه‌های مختلف از جمله آسیب‌شناسی، طراحی راه‌حل، اجرا و نظارت کارآتر شامل می‌شود، یک الزام است.

آگاهی از منافع تجربه شده گفتگو نظیر شتاب بخشیدن به فرآیند اصلاحات، افزایش عواید بهبود محیط سرمایه‌گذاری و عواید سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، همکاری در استراتژی‌های کاهش فقر و

۱. این منشور برای نخستین بار در دوم فوریه سال ۲۰۰۶ در کارگاه بین‌المللی گفتگو بین دولت و بخش خصوصی که به کمک تیم مشترکی از DFID، بانک جهانی، IFC و مرکز توسعه کشورهای OECD ترسیم شد، در مرکز کنفرانس پاریس بانک جهانی نگهداری و توسط بیش از صد متخصص از ۳۰ کشور جهان تکمیل شد.



ایجاد فضای اعتماد دوجانبه بین دولت و بخش خصوصی دارای اهمیت قابل توجهی است. آگاهی شرکت‌کنندگان از کم‌وکیف گفتگو به‌منظور ارائه پیشنهادهای عملی و آگاهی از اهمیت نظارت و ارزیابی دقیق به‌عنوان عاملی اساسی برای موفقیت و افزایش کارایی، امری ضروری است.

طراحی با استفاده از تجارب افراد متعهد دارای تخصص از بخش‌های دولتی و خصوصی و سایر مشارکت‌کنندگان اجتماعی و همچنین استفاده از آموخته‌های حاصل از تحقیقات انجام شده در زمینه سازوکار گفتگو، که در کارگاه‌های بین‌المللی جمع‌آوری شده است، یک الزام است. بنابراین، استفاده‌کنندگان باید از اصول زیر به‌عنوان منشور اجرای مناسب در سازوکار گفتگو به‌منظور توسعه بخش خصوصی پیروی کنند.

### اصل اول: احکام قانونی و تطبیق نهادی

بیان اهداف برای شفاف‌سازی مفید است. یک حکم رسمی یا قانونی می‌تواند در برخی زمینه‌های اقتصادی و سیاسی کمک مهمی محسوب شود، اما این احکام هرگز برای برقراری یک گفتگوی مناسب دولت و بخش خصوصی کافی نیستند. به‌منظور حداکثر کردن ظرفیت نهادی و حداقل‌سازی فرسایش نهادها، گفتگو باید با نهادهای موجود، مطابقت داده شود.

- گفتگو به ظرفیت و تمایل شرکت‌کنندگان بستگی دارد و یک حکم قانونی برای ایجاد آن کافی نخواهد بود.

- با وجود این، یک حکم رسمی و قانونی می‌تواند به سازوکار اعتبار بخشد، احتمال دوام گفتگو را افزایش دهد و زمینه ایجاد سامانه گفتگو را فراهم سازد تا یکپارچگی بهتری برای ایجاد یک چارچوب نهادی مناسب ایجاد شود.

- به‌نظر می‌رسد یک حکم قانونی برای تشکیل سامانه گفتگو به‌خصوص در اقتصادهای درحال گذر یا در کشورهایی با بوروکراسی قوی، مفیدتر است.

- به هر حال انجام کارها نباید به قیمت از دست دادن شتاب تلاش‌های اصلاح‌طلبانه برای ایجاد یک وضعیت قانونی مناسب تمام شود.

- احکام مفصل قانونی، ریسک محدودیت انعطاف‌پذیری و محدودیت ابتکار همراستا با تغییرات را افزایش می‌دهد.

- ایجاد نهادها باید در سرمایه‌ای در بیشترین حد ممکن صورت گیرد.

### اصل دوم: تشکیلات و مشارکت

ساختار گفتگو باید قابل کنترل و در عین حال انعطاف‌پذیر باشد. این ساختار باید مشارکت‌کنندگان را قادر کند تا هم متعادل باشند و هم مؤثر؛ ایشان باید وضعیت بخش خصوصی محلی را نیز به خوبی منعکس کنند.

- ساختار سامانه گفتگو می‌تواند اداری، غیراداری یا ترکیبی از این دو باشد. طراحی این ساختار، نیازمند در نظر گرفتن فرآیندها و مؤسسات موجود است.
- مشارکت نمایندگان مناسب عوامل اقتصادی، باید در فرآیندی شفاف مورد موافقت قرار گیرد و به‌مثابه یکی از اهداف گفتگوی متوازن و قابل اجرا باشد.
- ساختار گفتگو می‌تواند به‌گونه‌ای ایجاد شود که روش مشارکت ویژه در مجموعه‌ای از کارگروه‌ها، مسائل و مناطق شکل بگیرد. به‌عنوان مثال، می‌توان برای مشارکت در جزئیات استراتژی‌های اصلاحی در بخش‌های خاص، روش‌های ویژه‌ای اتخاذ کرد.
- طراحی وظایف سازمانی مناسب برای یک دبیرخانه، اغلب برای کمک به اطمینان از روشی منطقی برای گفتگو بین دولت و بخش خصوصی - که چارچوب سیاستی مناسب را هم شامل شود - مفید خواهد بود.

### اصل سوم: حامیان

- تداوم و تقویت گفتگو، بدون دریافت حمایت از بخش‌های دولتی و خصوصی که در این فرآیند سرمایه‌گذاری می‌کنند و آن را هدایت می‌کنند مشکل است.
- پشتیبانی صحیح حامیان، مهمترین قسمت حمایت از گفتگو است.
- برای گفتگو آسان‌تر است که از ضعف‌های حامیان بخش خصوصی ایمن بماند تا از ضعف‌های حامیان بخش دولتی.
- اگر حامیان بسیار قوی باشند، دستورات جلسه می‌توانند بسیار متمرکز باشند یا گفتگوها می‌توانند قویاً به اشخاص وابسته باشند.

### اصل چهارم: تسهیل‌کنندگان

- تسهیل‌کنندگان که خواست‌های عاملان اقتصادی را اجرا می‌کنند، می‌توانند چشم‌اندازهای سامانه گفتگو را ارتقا دهند.
- صفات مهم تسهیل‌کنندگان، شامل تجارب مذاکره، درک مسائل تکنیکی و توانایی گفتگو با افراد مختلف از وزرا تا مؤسسين شرکت‌های کوچک است.



- راهکارهای کارآفرینانه و ابتکاری، غالباً مفید هستند.

- سؤال مشکل آن است که آیا تسهیل‌کنندگان باید محلی باشند یا خارجی؟ (اطلاعات محلی یک مزیت است اما همچنین یک کمبود محسوب می‌شود).

### اصل پنجم: خروجی‌ها (کارکردها)

خروجی‌ها می‌توانند به دو شکل خروجی‌های تحلیلی و خروجی‌های پیشنهادی مطرح شوند. همه چیز باید منجر به توسعه بخش خصوصی شود.

- خروجی‌های تحلیلی می‌تواند شامل شناخت‌ها و تحلیل موانع تجاری، توافق در مورد اهداف توسعه بخش خصوصی و ارزشیابی بخش خصوصی از دریافت خدمات دولتی باشد.

- پیشنهادها می‌تواند مواردی از اصلاحات قانونی و سیاستی و شناخت فرصت‌های توسعه در مناطق، بخش‌ها و ناحیه‌های دارای اولویت را نشان دهند.

- ساختار خروجی‌ها می‌تواند شامل ساختاری رسمی برای گفتگو، جلسات و کنفرانس‌های دوره‌ای، نظارت دائمی بر خروجی‌ها و نتایج گفتگو و یک برنامه گروهی برای انتشار اطلاعات باشد.

### اصل ششم: توسعه ارتباطات

فراهم کردن ارتباطات لازم برای افزایش فهم مشترک از طریق یکسان‌سازی فضای دو گروه، برای ایجاد اعتماد متقابل بین عوامل اقتصادی شرکت‌کننده در گفتگو ضروری است.

- ارتباطات عمومی، نیازمند فهمی متقابل از عوامل انگیزش اصلی شکل‌دهنده گفتگو است. برای دستیابی به این فهم مشترک، کنش‌های تکرار شونده میان تمام مشارکت‌کنندگان در گفتگو الزامی است.

- گفتگو باید در سطحی وسیع و تا حد امکان شامل تمامی عناصر باشد. این امر باعث می‌شود که برنامه‌های بالاسری اصلاح شود. این عناصر می‌تواند شامل استفاده از رسانه‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و حتی تبلیغات خیابانی باشد.

- همچنین توجه به ظرفیت مشارکت بخش خصوصی در گفتگو به منظور دستیابی به یک استراتژی اصلاح ارتباطات ضروری است.

- شفافیت فرآیندها، به خصوص باز بودن درهای سامانه به روی رسانه‌ها، برای موفقیت و نیز برای مشارکت در ارزیابی و نظارت بر گفتگو ضروری است.

### اصل هفتم: نظارت و ارزیابی

نظارت و ارزیابی، ابزاری کارآ برای مدیریت فرآیند گفتگو بین دولت و بخش خصوصی و عملی

کردن اهداف و کارکردهای آن است.

- برای حفظ انعطاف و صمیمیت به وجود آمده در گفتگو لازم است چارچوب نظارت و ارزیابی، که توسط سیستم گفتگو بین دولت و بخش خصوصی پذیرفته می‌شود، مشارکت‌کنندگان این گفتگو را برای نظارت درونی فرآیندها آماده کرده و ایشان را هرچه بیشتر به مسئولیت‌پذیری و شفاف‌سازی ترغیب کند.

- تعاریف مشخص ورودی‌ها، خروجی‌ها، نتایج و آثار گفتگو به وسیله معرفی کردن و اختصاص دادن مؤلفه‌هایی برای آنها، همراه با بازبینی دوره‌ای آن توسط مشارکت‌کنندگان در فرآیند گفتگو، نظارت و ارزیابی را تسهیل خواهد کرد. این تعاریف باید مستند به مجموعه قابل اطمینانی از آمارهای قابل اطمینان باشد.

- تکنیک‌های نظارت و ارزیابی که برنامه‌ریزی کلی بهتری را مقدور می‌سازد، می‌تواند نیروهای بالقوه مشارکت‌کنندگان را به فعلیت رسانده و نظارت و ارزیابی داخلی و خارجی را به صورت توأم فراهم کند.

- گفتگو بین دولت و بخش خصوصی باید یک ارزیابی بنیانی را به منظور سنجش کارایی خود در راستای توانمندسازی مشارکت‌کنندگان در گفتگو، انجام دهد. با این روش، مشارکت‌کنندگان درخواهند یافت که چگونه می‌توان به اهداف و منافع برنامه‌ریزی شده، در طول مدت زمان مشخص دست یافت.

### اصل هشتم: گفتگو در سطح محلی<sup>۱</sup>

گفتگو بین دولت و بخش خصوصی در تمام سطوح تصمیم‌سازی، خوشایند و مطلوب بوده و هرچه در سطوح محلی بیشتر گسترش یابد مطلوب‌تر است. علاوه بر این، احتمال اینکه در سطوح عالی گفتگو عملاً در سطوح بنگاه‌های کوچک و متوسط و سایر عوامل اقتصاد محلی شکل بگیرد، بیشتر است.

- گفتگو در سطوح محلی، این امکان را فراهم می‌آورد که مسائل محلی و راه‌حل‌های آنها مطرح و به اطلاع تصمیم‌سازان محلی برسد یا در سطوح بالای تصمیم‌گیری مطرح و حل‌وفصل شوند.

- گفتگوی محلی می‌تواند نتایج مؤثرتری در مقایسه با سیاست‌های ملی داشته باشد. در وضعیتی که این گفتگو به طور کامل و صریح، هم سطح ملی و هم، سطح منطقه‌ای را شامل شود می‌تواند کارآتر هم باشد.



- گفتگو در سطح محلی می‌تواند به‌طور خاص از طریق استفاده از ابزارهای مشارکتی، ایجاد ظرفیت‌های جدید و استفاده از تسهیل‌کننده‌های طبیعی و محلی، منافع زیادی را برای کسب‌وکارهای محلی ایجاد کند.

### اصل نهم: تمرکز بر بخش خاص

در نظر گرفتن بخشی مشخص یا مسئله‌ای مشخص باید به‌عنوان موضوعات وارد در گفتگو بین دولت و بخش خصوصی تشویق شود. این امر باعث تمرکز بیشتر، علاقه به همکاری بیشتر و فرصت‌های بیشتری برای اجرای نتایج حاصل از گفتگو می‌شود.

- به‌منظور مقابله با خطر عدم نگاه کلان به مسائل، گفتگو در مورد بخش خاص، باید با یک فرآیند گفتگوی کلان نیز مرتبط شود.

- انتخاب بخش‌هایی که لازم است موضوع گفتگو قرار گیرند می‌تواند بحث‌برانگیز باشد. به‌خصوص در وضعیتی که سازمان‌ها و نهادهای موجود ضعیف باشند. این چالش از طریق پیگیری فرآیندی شفاف، قابل برطرف شدن است.

- گفتگو بهترین عملکرد را در بخش‌هایی دارد که بیش از همه نیازمند سرمایه‌گذاری، صرف زمان و منابع هستند - به هر حال باید از جایگزینی بخش‌های قوی‌تر به جای این بخش‌ها نیز احتراز شود.

- خطر گرایش به یک فعالیت خاص نیز در زمانی که انتخاب همزمان با گفتگو در یک بخش مشخصی انجام می‌شود، زیاد است.

- این خطر می‌تواند به‌وسیله شفافیت بیشتر، اعلام صریح نتایج مورد انتظار و استفاده از روشی فراگیر که دسترسی کاملی برای مشارکت‌کنندگان مختلف با علایق متفاوت به بخش‌ها یا زنجیره‌های ارزش ایجاد می‌کند، کاهش یابد.

### اصل دهم: نقش بین‌المللی

گفتگوی گسترده و فراگیر بین دولت و بخش خصوصی، می‌تواند به‌طور مؤثری در سطح بین‌المللی هم تأثیرگذار باشد. این گفتگو می‌تواند علایق منطقه‌ای و ملی بخش‌های دولتی و خصوصی را به مذاکرات بین‌المللی و فرآیندهای گفتگوهای بین‌المللی جلب کند.

- چالش‌های پیچیده بین‌المللی، نیازمند ارتباط وسیع و مؤثر بین دولت و بازیگران غیردولتی است. این پیوستگی باید شفاف، فراگیر و با دسترسی گسترده باشد.

- درگیر کردن مشارکت‌کنندگان محلی در سطوح بین‌المللی می‌تواند نتایج کارآتری برای

خواست‌های ملی و منطقه‌ای در پی داشته باشد. این نتایج کارآتر به وسیله کمک به هماهنگی بیشتر بخش خصوصی و دولتی و در نتیجه گسترده‌تر شدن شعاع همکاری‌های بین ایشان رخ خواهد داد. - الگوهای بین‌المللی می‌توانند فرآیند غیررسمی گفتگوی منطقه‌ای و چندجانبه را پرورش داده و به نمونه‌ای برای ابتکار در سطح ملی تبدیل شوند.

### اصل یازدهم: پس از منازعه/ ترمیم بحران/ مصالحه

گفتگو بین دولت و بخش خصوصی عملاً در رفع منازعات و بحران‌های محیطی، مشتمل بر رفع بحران‌های طبیعی، ایجاد و حمایت از ثبات و تجدید ساختار اقتصاد از طریق توسعه بخش خصوصی، بسیار ارزشمند و کارآمد است.

- به این دلیل که سامانه گفتگو بر مسائل مشخص و قابل لمس بنگاه‌ها تمرکز می‌کند، باعث نوسازی اقتصادی و بهبود فضای سرمایه‌گذاری و در نتیجه، ایجاد اشتغال و کاهش فقر می‌شود. ابتکار گفتگو در ایجاد فضای اعتماد بین گروه‌های مختلف اجتماعی و از بین بردن منازعات نژادی و قومی یا معارضات قومی، بسیار کارآمد است.

- سامانه به‌ویژه می‌تواند در فعال‌سازی و تسهیم مناسب منابع و ایجاد ظرفیت‌ها ارزشمند باشد. به‌خصوص اینکه می‌تواند در حل بحران‌های محیطی مؤثر باشد.

- ساختار و ابزار لازم برای گفتگو باید برای رفع تعارضات و در عمل در فضای بحرانی قابل اجرا باشد. این ساختارها باید به‌گونه‌ای باشند که بازیگران اقتصاد غیررسمی و نقش بالقوه آنها در ساختار مرسوم و همچنین نقش ایشان در بازسازی از مجرای قانونی در نظر گرفته شود.

### اصل دوازدهم: شرکای توسعه‌ای

نهاد گفتگو می‌تواند از طریق ورودی‌ها و حمایت حامیان (شرکای توسعه‌ای) منتفع شود؛ البته در وضعیتی که وظیفه آنها با در نظر گرفتن شرایط محلی، درخواست‌های مشخص و براساس مشارکت روشن شده باشد.

- شرکای توسعه‌ای می‌توانند اوضاع را برای یک گفتگوی مناسب، ابداع، پیشرفت، حمایت، اعتبار و گفتگوی آسان فراهم کنند.

- ایجاد ظرفیت و ایجاد تصویر مناسب در سطح بین‌المللی، دو مؤلفه‌ای هستند که شرکای توسعه‌ای می‌توانند بیشترین نقش را در آن ایفا کنند.

- نقش شرکای توسعه‌ای باید طبیعی و ممکن باشد؛ در راستای حداکثر کردن ظرفیت‌های



منطقه‌ای باشد، اعتمادزا باشد و از یک محیط شفاف و مساعد حمایت کند.

- شرکای توسعه‌ای باید به توسعه فضاهای اقتصادی و اجتماعی، به‌طوری که به ایجاد یک استراتژی شخص منجر شود، اقدام کنند.

- شرکای توسعه‌ای باید با یکدیگر هماهنگ باشند تا از دوباره‌کاری جلوگیری کرده و دسترسی به اعتبارات را افزایش دهند.

### ۳. طراحی، اجرا و نظارت بر سامانه گفتگو

ابزارهای تشخیص و طراحی، وضعیت و پتانسیل گفتگو را ارزیابی می‌کنند. حال که نوبت به طراحی و اجرای گفتگو رسیده است، مدیران اجرایی چه مواردی را باید مد نظر قرار دهند؟ این بخش از گزارش بر مبنای منشور تجارب مثبت سامانه گفتگو در توسعه بخش خصوصی نگاشته شده است. در این بخش، به نحوه اجرایی کردن اصول دوازده‌گانه منشور، ملاحظات اجرایی این اصول و خطرات احتمالی در اجرای اصول منشور پرداخته می‌شود. در تمام موارد مورد بحث، مصادیق متعددی از اجرای اصول دوازده‌گانه در کشورهای دنیا وجود دارد، لکن بیشترین مثال‌ها از کشورهای بوسنی و هرزگوین، ویتنام و نیجریه آورده شده و از ذکر مثال‌های بیشتر خودداری شده است.

#### اصل اول: احکام قانونی و تطبیق نهادی

برخی اوقات سامانه گفتگو بین دولت و بخش خصوصی به پشتوانه قانون تشکیل شده است. این امر ممکن است متضمن این معنی باشد که تمام مأموریت‌های محوله به شرکت‌کنندگان به موجب حکم و قوانین وضع شده توسط مجلس قانونگذاری، اعطا شده است.

احکام قانونی می‌توانند در طول زمان تغییر کنند. هیچ دلیلی وجود ندارد که گفتگو نتواند وضعیت خود را از نظر قانونی تغییر دهد. گاهی ممکن است گفتگو از ابتدا شکل قانونی و رسمی نداشته باشند، ولی در طول زمان و با به اثبات رسیدن نقش آنها، به رسمیت شناخته شده و قانونی شوند، اما در همه این موارد باید با نهادهای موجود در جامعه تطبیق پیدا کنند تا از موازی‌کاری در امور جلوگیری شود.

در تعیین ساختار یک گفتگو باید بین دستورات قانونی، دستورات رسمی و آیین‌نامه‌ها تمایز قائل شد، زیرا هر یک از این وضعیت‌ها، مزایا و معایب خاص خود را دارد. موارد زیر در مورد وضعیت یک گفتگو مانع‌الجمع نیستند و یک سامانه می‌تواند دارای چند وضعیت باشد:

- آیین‌نامه،

- دستور رسمی،

- دستور قانونی،

- تفاهمنامه،

- ابتکار عمل موقتی با اهداف زمانبندی شده.

یکی از دلایل برای تبدیل وضعیت گفتگو بین دولت و بخش خصوصی به وضعیت رسمی و قانونی، نحوه عملکرد ابتدایی سامانه و همچنین اعتبار آن است. اگر گفتگو بین دولت و بخش خصوصی به دنبال رسمی و قانونی کردن سامانه باشد، تنظیم اهداف و زمانبندی آن می‌تواند کمک شایان توجهی به این موضوع کند. به عنوان مثال، تعیین الزام در طرح «عملیات بولدوزر» بوسنی به صورت ۵۰ اصلاح اقتصادی در ۱۵۰ روز، احساس ضرورت و تعهد را از همان ابتدا ایجاد کرد.

الزامات قانونی برای مشاوره‌های عمومی، حتی قبل از رسمی شدن شورای گفتگو نیز ممکن است وجود داشته باشد. اغلب کشورها برای مشاوره‌های عمومی الزاماتی را در نظر می‌گیرند. این الزامات قانونی، اکثراً توسط قانونگذاران نادیده گرفته می‌شوند در حالی که می‌تواند نقطه شروع خوبی برای گفتگو باشد. به عنوان مثال در قوانین جمهوری صربستان، دولت مکلف به راه‌اندازی مباحثات عمومی شده است که این خود می‌تواند سکویی برای سازماندهی سیستماتیک مذاکرات و گفتگوها شود. اما در دانمارک، هیچ مقرراتی برای مباحثات عمومی برای تصویب قوانین جدید وجود ندارد، لکن این کار به صورت غیررسمی انجام می‌شود. این بدان دلیل است که دولت و قانونگذاران به این نکته رسیده‌اند که تصویب قوانین جدید، بدون مشورت با بخش خصوصی، مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

با همه این موارد نمی‌توان گفت گفتگو بین دولت و بخش خصوصی که قانونی نشده‌اند کارآیی لازم را ندارند؛ مثلاً در مورد قطعنامه‌ها، همین که اهداف مشخص شده‌اند و تمام شرکت‌کنندگان بر روی این اهداف توافق دارند، خود یک موفقیت است.

در حقیقت، نیاز برای راه‌اندازی سامانه‌های گفتگوی جدید از ضعف کارآیی نهادهای موجود ناشی می‌شود. اما همین نهادهای موجود با توجه به پتانسیل‌هایشان می‌توانند یک گفتگو را تشکیل داده یا آن را از بین ببرند. بنابراین، هماهنگی با این نهادها برای موفقیت هرچه بیشتر گفتگو الزامی است.

با دقت در تمایز بین نهادهای موجود و سامانه گفتگو می‌توان به نقاط نفوذپذیر نهادها دست یافت و فرصت‌های جدید را برای آنها به وجود آورد. امضای تفاهمنامه با این نهادها می‌تواند کمک مؤثری در این راه باشد. نهادهای موجود به طور مثال می‌توانند دبیرخانه سامانه جدید گفتگو را در



خود جای دهند. اتفاقی که در تانزانیا افتاد و هم‌اکنون میزگرد سرمایه‌گذاران تانزانیایی در شورای ملی بازرگانی تانزانیا برگزار می‌شود.

معمولاً گفتگو بین دولت و بخش خصوصی جدید، نیازمند میزبانی هستند که روابط خوب و قوی با نهادهای موجود داشته باشد. البته شرط مهم برای این میزبان‌ها، بی‌طرفی آنهاست. این میزبان‌ها می‌توانند دستگاه‌های زیر باشند:

- دفتر رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر،

- وزارت بازرگانی،

- دفاتر توسعه تجارت،

- اتاق بازرگانی،

- سازمان‌های بین‌المللی،

- نهادهای جدید و مستقل.

### اصل دوم: تشکیلات و مشارکت

ایجاد توازن مناسب در ساختار و مشارکت امری دشوار است. ساختار به‌شدت رسمی می‌تواند طاقت‌فرسا باشد، درحالی که رسمیت ناچیز می‌تواند اراده گفتگو را از بین ببرد. مشارکت گروه‌های متعدد، مدیریت گفتگو را با مشکل مواجه کرده است درحالی که مشارکت ضعیف و کم‌گروه‌ها، خطر فقدان تعادل را به‌وجود می‌آورد.

درواقع ساختار دقیق، مشخص و از پیش تعیین‌شده‌ای برای تضمین موفقیت کامل گفتگو وجود ندارد. ساختار گفتگو به متغیرهای مختلفی بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به درجه سازمان بخش خصوصی، قدرت قوه مجریه در برابر قوه مقننه و ساختار بخش‌های خصوصی و دولتی اشاره کرد.

یک ساختار تقریباً رایج در سامانه گفتگو وجود یک دبیرخانه و تعدادی کارگروه است. کار دبیرخانه، سازماندهی ملاقات‌ها و جلسات، هماهنگی تحقیقات و تدارکات، تنظیم صورتجلسات، پشتیبانی اعضا، تعیین استراتژی‌های توسعه و ایجاد بستری برای تماس دیگران با سامانه است. کارگروه‌ها نیز براساس بخش‌های مختلف مانند کشاورزی، توریسم یا تولید و یا براساس مناطق جغرافیایی طبقه‌بندی می‌شوند. این طبقه‌بندی، کارگروه‌ها را قادر می‌سازد تا با کارآیی بیشتری بر موضوعات تمرکز کنند.

این نوع ساختار به‌دلیل کارآیی بالای آن زیاد از آن استفاده می‌شود که از آن جمله می‌توان به شورای سرمایه‌گذاران آفریقا و میزگرد سرمایه‌گذاران قرقیزستان اشاره کرد.

دبیرخانه می‌تواند از کمک‌های اهداکنندگان خارج از گفتگو بین دولت و بخش خصوصی استفاده کند، اما نباید متکی بر آن باشد و باید بتواند مخارج خود را از طریق اعضا تأمین کند. هزینه سالیانه دبیرخانه در مجمع بازرگانی سیرالئون و همچنین در کامبوج، بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار دلار است.

همبستگی زیادی بین میزان مداخله و مشارکت دولت در گفتگو و پیشرفت و موفقیت این فرآیند وجود دارد. بدون حضور رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا مقامات محلی هم‌تراز، تقریباً شانس برای موفقیت گفتگو وجود ندارد. انتخاب از میان نمایندگان بخش عمومی برای مشارکت در سامانه بسیار ضروری است، زیرا مشارکت تعداد نمایندگان زیاد از این بخش، می‌تواند گفتگو را به منجلاپی عمیق فرو ببرد.

حضور افراد فنی و متخصص از وزارتخانه‌ها، بسیار حیاتی است، زیرا آنها هستند که باید پیش‌نویس مصوبات مورد نیاز گفتگو را بنویسند.

در مورد مشارکت بخش خصوصی نیز باید به نکات زیر توجه داشت:

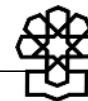
- افرادی را انتخاب کنید که به دنبال مشارکت هستند نه کسب منافع مادی.
- در صورت امکان از واسطه‌گران بخش خصوصی نیز استفاده کنید.
- به جای نمایندگان بخش‌های خرد و متوسط، از نمایندگان عمده بخش خصوصی استفاده کنید.
- از زنان و اقلیت‌ها استفاده کنید.

### اصل سوم: حامیان

گفتگو اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه کسی واقعاً آن را بخواهد و به دنبال آن باشد. معمولاً گفتگو بین دولت و بخش خصوصی موفق، حامیانی قوی و مؤثر دارند که فرآیند آن را به پیش می‌برد، اما آنقدر قدرتمند نیست که فرآیند را منحرف کرده و یا گفتگو را وابسته به نظر شخصی خود کند.

حامیان می‌توانند از بخش عمومی، خصوصی و یا حتی جامعه شهروندی باشند. مهمترین ویژگی حامیان، درک وسیع آنها از منافع کشور است. نمایندگان انجمن‌های کاری بیشتر این ویژگی را دارند، به خصوص اگر انجمن شامل چندین صنف از مشاغل باشد، درحالی که نمایندگان مشاغل انفرادی معمولاً این خصیصه را ندارند.

حامیان بخش دولتی - به خصوص نمایندگان وزارت صنایع که با اکثر مشاغل مرتبط هستند - به واسطه اشرافی که به بخش‌های مختلف دارند، می‌توانند نقش مؤثری در گفتگو داشته باشند؛



درحالی که نمایندگان وزارتخانه‌هایی که با جامعه شهروندی سروکار دارند، مانند وزارتخانه‌های بهداشت، آموزش و پرورش، کار و محیط زیست، پتانسیل کمتری برای حضور به‌عنوان حامی دارند. در مجموع، کارآترین حامیان، نمایندگان رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر یا شهرداران هستند که علاوه بر پشتوانه سیاسی، از دید وسیعی برخوردارند.

حامیان می‌توانند نقش مهمی را در پشت و روی صحنه بازی کنند. آنها می‌توانند مؤثرترین افراد برای وادار کردن بازیگران بی‌میل برای حضور پای میز مذاکره باشند. آنها همچنین می‌توانند گفتگوها را رهبری کرده و اذهان مردم عمومی را درخصوص لزوم برگزاری گفتگوها، روشن کنند. یک گفتگو بین دولت و بخش خصوصی می‌تواند چندین حامی برای بخش‌های مختلف از گفتگوها داشته باشد. مدیران و مؤسسان گفتگو بین دولت و بخش خصوصی باید به فکر حمایت از حامیان نیز باشند؛ لذا باید از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار بوده تا حامیان نیز بتوانند نظرات خود را تا حدی اعمال کنند.

هنگامی که گفتگو بین دولت و بخش خصوصی قصد طراحی اطلاعات و ارتباطات برای اصلاح خود را دارد، حامیان می‌توانند پیام‌رسانان خوبی باشند. البته گفتگو بین دولت و بخش خصوصی باید براساس نوع مخاطب و طرف پیام، حامیان متناسب و مؤثر را انتخاب کند. در انتخاب حامیان گفتگو نیز باید از انعطاف نسبی برخوردار بود، زیرا شرایط و وضعیت سامانه در طول زمان تغییر خواهد کرد، لذا باید حامیان متناسب به مقتضی این تغییرات، انتخاب شوند. در این خصوص سه عامل باید مد نظر قرار گیرد:

- باید حامی احتمالی را در ابتدای اصلاحات معرفی کرد. زیرا ممکن است هر یک از بخش‌های دولتی و خصوصی حامی‌ای را معرفی نمایند که تنها از منافع آنها حمایت کند.
- حامیان امروز، می‌توانند رقبای فردا باشند.
- حامیان نیز باید همراه با سامانه گفتگو در طول زمان تغییر کنند.

#### اصل چهارم: تسهیل‌کنندگان

برای تضمین پیشرفت فرآیند گفتگو، به یک تسهیل‌کننده یا دبیر، نیاز است زیرا جلسات باید تنظیم شوند، شرکت‌کنندگان دعوت و برای ارزش‌های شرکت در گفتگو متقاعد شوند. همان‌طور که گفته شد، تسهیل‌کننده در رأس دبیرخانه قرار دارد. شخص تسهیل‌کننده باید بی‌طرف و مورد اعتماد باشد.

نقش تسهیل‌کننده، پشتیبانی از فعالیت‌های سامانه گفتگو و کارگروه‌هاست. تسهیل‌کننده یا کارکنان دبیرخانه می‌توانند ریاست کارگروه‌های تخصصی فرعی را برعهده بگیرند. در هر

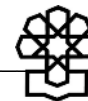
حادثه‌ای، تسهیل‌کننده باید نیروی محرک گفتگو بین دولت و بخش خصوصی باشد. وظایف تسهیل‌کننده یا دبیر، شامل دعوت و ساماندهی جلسات اصلی و کارگروه‌های تخصصی، واسطه‌گری در جلسات میان نمایندگان بخش‌های خصوصی و دولتی، ثبت مذاکرات و صورتجلسات، حفظ تمرکز جلسات بر روی پیشنهاد اصلاحات جدید، تحقیق در مورد موضوعات و آماده‌سازی پیشنهادها برای بحث است.

تسهیل‌کننده‌ها می‌توانند منافع بسیاری از آموزش به‌دست آورند، لذا گفتگو بین دولت و بخش خصوصی باید برای آموزش این افراد سرمایه‌گذاری کند و از آن جمله بازدید تسهیل‌کننده‌ها از گفتگو بین دولت و بخش خصوصی موفق در دیگر کشورهاست. از آنجایی که تسهیل‌کننده‌ها معمولاً چهره عمومی گفتگو هستند، لذا باید نحوه مواجهه با خبرگزاری‌ها و قرار گرفتن مقابل دوربین را یاد بگیرند. تسهیل‌کننده‌ها نباید در درخواست کمک‌های آموزشی و فنی از انجمن‌های بین‌المللی تردید کنند.

### اصل پنجم: خروجی‌ها (کارکردها)

گفتگو به‌خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به برخی برون‌دادها و نتایج است. انتخاب صحیح برون‌دادهای هدفگذاری شده، خود گامی به‌سوی موفقیت است. انواع نتایج مورد نظر می‌تواند کم و بیش جاه‌طلبانه باشد و دامنه آن می‌تواند از برگزاری یک کنفرانس و تهیه مقالات مورد بحث تا اجرای برنامه‌های قانونی باشد. ارائه معیارهای کمی برای بررسی حرکت به سمت اطراف مورد نظر، بستگی به نوع نتایج مورد انتظار گفتگو دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- نتایج تحلیلی،
- پیشنهادهای اصلاحات خاص،
- نتایج فرآیندی و ساختاری،
- پیشنهادهای اصلاحی جزئی،
- برگزاری مجمع سالیانه مانند آنچه در ویتنام اتفاق می‌افتد،
- هدف ۵۰ اصلاح اقتصادی در ۱۵۰ روز در طرح بولدوزر بوسنی،
- ارتقای جایگاه کشور در رتبه‌بندی‌های جهانی مانند شاخص کسب‌وکار بانک جهانی که این مورد در اهداف گروه گفتگوی اقتصادی نیجریه قرار دارد.



## اصل ششم: توسعه ارتباطات

بخش‌های عمومی و خصوصی معمولاً با دیدگاه‌ها، فروض و ادبیات مختلفی در گفتگو شرکت می‌کنند. بسیاری از کارآفرینان، ارزش‌هایی را برای افزودن به گفتگو دارند، ولی معمولاً از این کار امتناع می‌کنند. این امر به علت فقدان آگاهی یا بی‌اطلاعی از اهمیت آن است. تعامل بین دولت و بخش خصوصی نیز اکثراً از دیدگاه دیگران ناصواب به نظر می‌رسد، مخصوصاً زمانی که فرآیند انتخاب نمایندگان بخش خصوصی مبهم و غیرشفاف باشد.

سامانه گفتگوی موفق، استراتژی‌های ارتباطی مؤثری دارد که شرکت‌کنندگان و عموم جامعه را از منافع و تلاش‌های صرف شده در گفتگو، آگاه می‌سازد. سازمان‌های صنفی بازرگانی، ابزاری بسیار مؤثر در جلب تعداد زیادی از کارفرمایان هستند، اما این سازمان‌ها معمولاً ضعیف و ناکارآمد هستند. راه‌های زیادی برای تقویت پتانسیل‌های این سازمان‌ها وجود دارد. یکی از موانع، عدم اطمینان اتحادیه‌های کارگری نسبت به سازمان‌های صنفی خود است، به‌ویژه زمانی که این سازمان‌ها توسط دولت تشکیل شده باشند.

نهادهای موجود، معمولاً از جذب انرژی و ایده‌های ناب کارفرمایان عاجزند. برای جذب این ایده‌ها می‌توان از دعوت آنها به ارائه پیشنهادهایشان در قالب فرم‌های ساده استفاده کرد. اطلاع‌رسانی درخصوص این فرم‌ها را می‌توان از طریق رسانه‌های عمومی و تبلیغات انجام داد. هریک از پیشنهاددهندگان باید از اهداف مورد نظر گفتگو بین دولت و بخش خصوصی، فرآیند ثبت پیشنهادها و فرجام پیشنهاد خود اطلاع حاصل کند.

قدرت یک نام خوب، یک نشان خوب و یک تصویر قوی را در بهبود شرایط توسعه بخش خصوصی نباید دستکم گرفت. به‌عنوان مثال تغییر نام «گروه کاری مجمع رقابت» در نیجریه به «ابتکار کاری بهتر» توانست در نشان دادن ارزش‌های آن به مخاطبان کمک کند. همچنین نام «عملیات بولدورز» در بوسنی و هرزگوین، توانست احساس ضرورت را برای قانونگذاری بهبود کسب‌وکار به بخش‌های گوناگون منتقل کند. همان‌طور که یکی از دارایی‌های عمده سازمان‌های غیرانتفاعی و شرکت‌های تولیدی، نشان تجاری آنهاست، گفتگو بین دولت و بخش خصوصی نیز باید به ارزش نام و نشان خود پی ببرند. نشان گفتگو بین دولت و بخش خصوصی فقط یک نام و یک نشان نیست، بلکه راهی برای ارتباط با مردم است.

استفاده صحیح از رسانه می‌تواند گفتگو بین دولت و بخش خصوصی را بهبود دهد، البته این خود تابع گفتگوهاست، زیرا دیدگاه‌های خصوصی و عمومی درخصوص رسانه متفاوت است و در ۹۰ درصد موارد، بخش خصوصی به‌صورت مؤثرتری از رسانه استفاده می‌کند. اما به‌طور کلی، بخش خصوصی در استفاده از رسانه برای توسعه موضوعات سیاسی ضعیف‌تر عمل می‌کند.

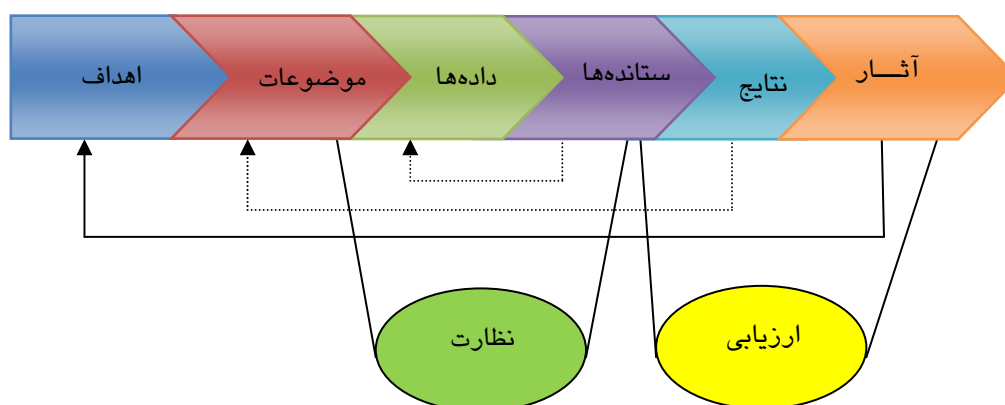
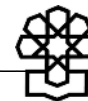
اصلاحات باید به‌گونه‌ای اعمال شوند که مردم بتوانند با آنها رابطه برقرار کرده و از منافعشان آگاه شوند. وقتی مخاطبان، عامه مردم باشند، اصلاحات پیشنهادی فنی و تخصصی، ضرورتاً باید به زبان ساده برای مردم بیان شود. البته لازم نیست تمام جزئیات عمومی شوند، زیرا ممکن است مخالفت‌هایی را موجب شوند. استفاده از کمپین‌های مرتبط نیز راه بسیار مؤثری است. به‌عنوان مثال در گرجستان یک کمپین ضدفساد، بر روی وسایل حمل‌ونقل عمومی اطلاع‌رسانی می‌کرد یا در بوسنی طی سه‌ماه در یک نشریه محلی، هر روز با یکی از کارفرمایان مصاحبه و درخصوص نحوه بهره‌برداری آنها از منافع اصلاحات، پرسش و پاسخ انجام می‌شد.

یکی دیگر از راه‌های ارتباطی، دعوت از اصحاب رسانه برای شرکت در کنفرانس خبری یا جلسات گفتگو است. با استفاده از بروشورهای عمومی می‌توان مردم را از فرآیند انتخاب پیشنهادها و اعمال اصلاحات توسط بخش‌های خصوصی و دولتی آگاه کرد. این کار در بوسنی، نیجریه و ویتنام نیز انجام می‌شود. در آمریکای جنوبی، برای ارتباط نزدیک‌تر با مردم، از فیلم‌های انیمیشن استفاده می‌شود؛ این کارتون‌ها زندگی کارفرمایی را نشان می‌دهند که با اعمال اصلاحات پیشنهادی گفتگو بین دولت و بخش خصوصی، توانسته است موقعیت کاری خود را بهبود بخشد. استفاده از رادیو و تلویزیون نیز از راه‌های بسیار مؤثر برای اطلاع‌رسانی اقدامات گفتگو بین دولت و بخش خصوصی است.

### اصل هفتم: نظارت و ارزیابی

مانند تمام فعالیت‌هایی که در آنها زمان و سرمایه صرف می‌شود، گفتگو بین دولت و بخش خصوصی نیز نظارت و ارزیابی نیاز دارد. اما نظارت و ارزیابی در این مورد با مشکلات خاصی مواجه است. یکی از بزرگ‌ترین منافع گفتگو که همان توسعه حس همکاری و اعتماد است، نیازمند سرمایه‌گذاری بلندمدت است.

در این بخش از گزارش بیشتر بر نظارت داخلی بر گفتگو تکیه می‌شود و ارزیابی خارج از سامانه در بخش بعدی گزارش خواهد آمد. نظارت داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای آینده سامانه مطرح می‌شود. نظارت داخلی داده‌ها، ستانده‌ها و نتایج میانی را مد نظر قرار می‌دهد؛ درحالی که ارزیابی خارجی، یک فعالیت زمانبندی شده است که بیشترین تأکید آن بر نتایج و سطح تأثیر گفتگو و میزان موفقیت آن در رسیدن به اهداف مورد نظر است.



در زیر، برخی پیشنهادها که از منشور تجارب گفتگو اخذ شده است، به‌منظور استفاده در نظارت داخلی و برنامه‌ریزی‌های آتی ارائه می‌شود:

یکی از موارد بسیار مفید، نظارت بر نحوه بهره‌برداری از داده‌ها اعم از سرمایه و نیروی انسانی در فرآیند گفتگو است. در این خصوص باید بودجه را در مقابل هزینه‌های مالی با دقت بررسی کرد. همچنین بر نیروی انسانی نیز باید براساس وظایف محوله به آنها نظارت شود. وجود مدارکی مبنی بر تفاوت نتایج مورد انتظار و نتایج به‌دست آمده، ضرورت بازبینی نحوه استفاده از نیروی انسانی و اصلاح بودجه را می‌رساند.

یک راه بسیار ساده برای نظارت بر فعالیت کارگروه‌ها که در کامبوج و ویتنام نیز مورد استفاده قرار گرفته است، استفاده از ماتریس پیشرفت است. این ماتریس دارای پنج ستون است که شامل موضوع، خلاصه پیشنهادها، کارگروه، فرآیند، وضعیت کنونی پیشنهادها و وضعیت اجراست. البته باید به این نکته توجه داشت که معمولاً گفتگو دارای حساسیت خاصی است؛ به این معنی که اگر شرکت‌کنندگان در گفتگو، نظارت‌های سخنگیرانه و بسیار دقیق را توهینی به خود تلقی کنند، ممکن است سبب از بین رفتن سامانه گفتگو شود.

نظارت‌های داخلی بر گفتگو فرصت بهبود شفافیت و پاسخگویی را می‌دهد. در وضعیت سیاسی خاص، همین نظارت‌ها می‌تواند به‌عنوان یک ارزش برای دولت عمل کند. یکی از نکات مهم در نظارت داخلی، نمایش موفقیت گفتگو در سطح محلی است. در جایی که سطح اعتماد پایینی وجود دارد، نشان دادن موفقیت‌های گفتگو بین دولت و بخش خصوصی از اهمیت بیشتری برخوردار است.

### اصل هشتم: گفتگو در سطح محلی

گفتگو نباید تنها در سطح ملی فعالیت کند؛ گفتگو بین دولت و بخش خصوصی محلی می‌تواند آثار فراوانی بر فضای سرمایه‌گذاری و توانمندسازی محیط برای رشد بخش خصوصی داشته باشد.

شرکت در گفتگو در سطح محلی برای شرکت‌ها و جامعه شهروندی نیز با اهمیت است، زیرا دولت‌های محلی می‌توانند تصمیمات اجرایی بگیرند که در نهایت، منجر به توسعه شرکت‌کنندگان در گفتگو می‌شود. همچنین، گفتگو در سطح محلی می‌تواند به عنوان تضمینی برای اجرای تصمیمات گفتگو بین دولت و بخش خصوصی ملی در سطح محلی و پوشش دادن نیازهای محلی توسط تصمیمات اخذ شده در گفتگوی بخش خصوصی در سطح ملی باشد. برگزاری گفتگوها در شهرهای اصلی نیز امکان شرکت کارفرمایان خرد و میانه را در گفتگوها به حداقل می‌رساند. اکثر اصول مورد نظر در گفتگو در سطح ملی، در گفتگوی محلی هم قابل تعمیم و اجراست.

سامانه گفتگوی ملی شامل تعداد محدودی نماینده از بخش‌های دولتی و خصوصی است. این به این معناست که تعداد نسبتاً کمی از مؤسسات خصوصی در سیاست‌های کشور دخیلند و دولت‌های محلی و منطقه‌ای نیز غالباً کنار گذاشته شده یا در گفتگوها نماینده ندارند. این مشکل می‌تواند از طریق سامانه‌های گفتگوی محلی با موضوعات ملی رفع شود.

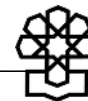
در واقع مقامات محلی مجریان سیاست‌های دولت مرکزی هستند، لذا همان‌ها هستند که موفقیت یا شکست یک گفتگو را تعیین می‌کنند؛ به این دلیل، اهمیت تقویت گفتگو بین مقامات محلی و مقامات دولت مرکزی، کمتر از گفتگو بین بخش دولتی و خصوصی نیست. وظیفه تضمین ارتباط بین این مقامات نیز برعهده رهبران و تسهیل‌کنندگان گفتگو بین دولت و بخش خصوصی است. دولت ملی از طریق نمایندگان خود در سامانه گفتگوی ملی، می‌تواند گفتگو بین دولت و بخش خصوصی محلی را حمایت و تشویق کند.

سامانه گفتگوی محلی می‌تواند موانع توسعه بخش خصوصی را که به واسطه مقررات دولت محلی به وجود آمده‌اند، از میان بردارند. کارفرمایان محلی می‌توانند موانع موجود را به دولت محلی در گفتگو گزارش داده و با هم در رفع آن تلاش کنند. همچنین آنها می‌توانند با همکاری هم به بهبود رقابت در منطقه کمک کنند.

سامانه گفتگوی محلی می‌تواند در سطح شهر، شهرک یا دیگر سطوح محلی و یا در مناطق اقتصادی مختلف تشکیل شوند. از آنجایی که تأکید اصلی گفتگو بر مباحث اقتصادی و توسعه بخش خصوصی است، منطقه جغرافیایی تشکیل گفتگو نیز باید براساس مشترکات اقتصادی باشد.

### اصل نهم: تمرکز بر بخش خاص

اینکه گفتگوها برپایه یک صنعت یا شاخه خاص تشکیل شود، احساس مسئولیت بیشتری را برای بخش خصوصی و دولتی مرتبط جهت تنظیم مقررات خاص آن شاخه از صنعت ایجاد می‌کند؛



همان‌طور که بسیاری از تئوری‌ها این قضیه را ثابت کرده‌اند که بهبود خوشه‌ها نقش عمده‌ای در ایجاد رقابت دارد. اما گفتگو در مورد خاص، فرصت‌ها و تهدیدهای مخصوص خود را دارد. دنی رودریک، اقتصاددان دانشگاه هاروارد، معتقد است که گفتگو بین دولت و بخش خصوصی که با رویکردی به بخش خاص تشکیل شده است، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد رقابت دارد. او معتقد است که تاریخ نشان داده است که نه برنامه‌ریزی‌های قوه مجریه و نه تلاش‌های زنجیرگسیخته کارفرمایان، هیچ‌یک نمی‌تواند به بهبود رقابت بیانجامد، بلکه آنچه که مورد نیاز است تلاش و همکاری دوجانبه بین دولت و بخش خصوصی برای شناسایی فرصت‌ها و تدبیر استراتژی‌هاست. در این مورد، نقطه کلیدی برای موفقیت در سیاست‌های صنعتی و اقتصادی، اتخاذ مکانیسم مناسب برای گفتگو است.

بهترین راه برای کشف پتانسیل‌های یک گفتگوی خوشه - مبنا، برگزاری کارگروه‌های مشارکتی برای بحث درخصوص استراتژی خوشه است. شرکت در این کارگروه‌ها باید برای تمام بازیگران این خوشه، کارفرمایان، مجامع تجاری، مؤسسات مالی و آموزشی مرتبط، اتحادیه‌های کارگری و دفاتر بخش خصوصی، آزاد باشد. زمانی که این کارگروه‌ها با شرکت تعداد بیشتری از نمایندگان بخش‌های خصوصی و دولتی برگزار شود و نهایتاً بر موضوعات توافق کنند، گفتگو دارای پتانسیل بیشتری خواهد بود. از آنجایی که بسیاری از شرکت‌کنندگان در گفتگوی خوشه - مبنا در رقابت مستقیم با یکدیگر هستند، تلاش مضاعف نیاز است تا آنها را قانع کرد که همکاری برای حل مشکلات مشترک، به نفع همه آنها خواهد بود.

شمول گفتگو بر بخش‌ها و خوشه‌های بسیار کم و کوچک، اثرگذاری گفتگو را بر موضوعات دشوار می‌کند. همچنین باعث افزایش خطر تخصصی شدن بیش از حد، تکیه زیاد بر مدل‌های موفق قبلی و توانایی کمتر برای سرمایه‌گذاری در فرصت‌های جدید می‌شود.

### اصل دهم: نقش بین‌المللی

همان‌طور که پتانسیل گفتگو در سطح محلی نباید نادیده گرفته شود، حضور گفتگو در عرصه‌های بین‌المللی نیز به‌ویژه به‌منظور آماده شدن برای مذاکرات در معاهدات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همکاری بر روی پتانسیل‌هایی مانند تجارت، توریسم و اکتشاف منابع طبیعی در مجامع بین‌المللی برای هر دو بخش خصوصی و دولتی دارای منافع است.

با توجه به روند رو به رشد وابستگی‌های متقابل اقتصادی بین کشورها، مشکلات توسعه، بخش‌های خصوصی و عمومی را با دیدگاه‌های بین‌المللی در سطوح منطقه‌ای و جهانی مواجه می‌کند. برای اثرگذاری نتایج در سطح بین‌المللی، سازمان‌های خصوصی ملی باید در سطح

بین‌المللی نیز حرکت کرده و متناسب با همین سطح، شبکه‌های فراکشوری تشکیل دهند و دولت نیز درگیر این سطوح منطقه‌ای و جهانی شود.

گفتگوی بین‌المللی می‌تواند شرایط مذاکره را در مجامع جهانی به نفع کشور صاحب سامانه تغییر دهد، زیرا آنها از مشکلات و پتانسیل‌های بخش‌های خصوصی و دولتی در داخل کشور آگاهی دارند. همچنین گفتگو در سطح ملی می‌تواند اوضاع را برای حضور شرکت‌های خصوصی در سطح بین‌المللی آماده کند. از جانب بخش عمومی نیز، کسانی باید در گفتگوهای بین‌المللی شرکت کنند که با مسائل بین‌المللی سروکار دارند و نمایندگان بخش خصوصی نیز باید کاملاً مستقل از دولت باشند.

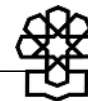
استفاده از NGOها در گفتگو بین دولت و بخش خصوصی مرتبط با امور بین‌المللی، می‌تواند توان عامه مردم را نیز به گفتگو اضافه کند. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند آگاهی جامعه را به نفع گفتگو ارتقا دهند. همچنین این سازمان‌ها می‌توانند واسطه‌ای بین دولت و بخش خصوصی، به‌ویژه بازیگران ضعیف این بخش، باشند. نهایتاً اینکه سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با حضور خود در گفتگو به میزان اعتبار و رسمیت آن در مجامع بین‌المللی بیافزایند.

مذاکرات در فرآیندهای گفتگوی بین‌المللی، معمولاً پیچیدگی‌های خاصی دارند که نیازمند مهارت‌های تخصصی است. بدون یک ساختار نهادی ویژه، هیچ گفتگویی نمی‌تواند با این پیچیدگی‌ها همراه و هماهنگ شود. یک ساختار مشورتی برای بخش خصوصی باید کانالی برای تحلیل‌های پیشرفته اکثر بخش‌های تخصصی اتحادیه‌های بازرگانی محلی و همچنین منشأ صلاحیت در عرصه‌های بین‌المللی باشد.

### اصل یازدهم: پس از منازعه

آزمودن گفتگو بین دولت و بخش خصوصی در شرایط پس از منازعات اخیر، به‌ویژه در سیرالئون، بوسنی و هرزگوین، کامبوج، کوزوو، تیمور شرقی و دیگر کشورها نشان می‌دهد که گفتگو می‌تواند به‌عنوان ابزاری مفید در بهبود و تسریع بازسازی مناطق مورد منازعه عمل کند. برخی مشکلات محیط سرمایه‌گذاری در وضعیت پس از منازعه یا پس از بحران شامل موارد زیر است:

- محدودیت دسترسی رسمی به منابع مالی و ضعف بخش عمومی در تدوین مقررات،
- کمیابی زمین برای توسعه و ضعف خدمات زیرساختی،
- فقدان مدیریت و تخصص‌های کاری در بخش خصوصی و نبود خدمات توسعه کسب‌وکار،
- بی‌ثباتی و نگرانی‌های امنیتی به‌واسطه شرایط در حال تغییر،



- کمبود سرمایه انسانی و سطح بالای نااطمینانی،
  - مخدوش بودن روابط با بازارهای خارجی،
  - عدم وجود یک سیستم دادرسی کارآ برای اجرای قراردادهای و استیفای حقوق از دست رفته.
- یک گفتگوی موفق در وضعیت پس از منازعه باید موارد زیر را داشته و آنها را تقویت کند:
- التزام دولت،
  - حامیان قدرتمند و تسهیل‌کنندگان مؤثر و بی‌طرف،
  - طراحی ساده و انعطاف‌پذیر برای انطباق با شرایط پیش‌بینی نشده،
  - توجه به ظرفیت‌سازی در هر دو بخش خصوصی و دولتی،
  - داشتن استراتژی ارتباطات و توسعه جهت ساخت پل‌های اجتماعی و تأکید بر اهداف مشترک.
- برخی از منافع گفتگو در وضعیت پس از منازعات افزایش می‌یابد. گفتگو برای نگرانی‌های فضای سرمایه‌گذاری، می‌تواند روند بازسازی را تسهیل کرده و اطمینان را به فضای سرمایه‌گذاری برگرداند. مداخله احزاب و گروه‌های محلی و اجماع آنها بر خط‌مشی و سپس دستیابی به نتایج مورد انتظار، می‌تواند خبر خوبی برای روند بازسازی بوده و همچنین معیار و محکی برای نظارت و ارزیابی باشد. با دستیابی به این پیروزی‌های زودرس، منافع بازسازی چندین برابر می‌شود:
- سرعت رسیدن به نتایج بیشتر می‌شود.
  - توسعه اقتصادی در سطح محلی سرعت می‌گیرد.
  - منافع بازسازی می‌توانند جهشی برای توسعه باشند.
  - حضور مجامع بین‌المللی و نمایندگان دولت مرکزی در گفتگوها پررنگ‌تر می‌شود.

### اصل دوازدهم: شرکای توسعه‌ای

بیشتر منافع گفتگو بین دولت و بخش خصوصی در سال‌های اخیر توسط حامیان بین‌المللی تحریک و تهییج شده است، زیرا آنها گفتگو را به عنوان ابزاری برای توسعه بخش خصوصی و کاهش فقر می‌دانند. اغلب اوقات رابطه بین بخش‌های خصوصی و دولتی آنقدر ضعیف است که بدون مداخله حامیان خارجی، شانسی برای شروع گفتگو وجود ندارد، اما مداخله این حامیان خطرناکی را هم به همراه دارد.

حامیان می‌توانند بزرگ‌ترین منابع و بزرگ‌ترین موانع برای یک گفتگوی مؤثر باشند. حامیان در موارد زیر به عنوان منابع ظاهر می‌شوند:

- به شرکت‌کنندگان در جمع‌آوری و تحلیل شواهد و مدارک، چه در داخل و چه در خارج از کشور، کمک می‌کنند.

- ظرفیت تحلیل خطمشی، تحلیل آثار قانونگذاری و دیگر مهارت‌های کلیدی تصمیم‌سازی را بالا می‌برند.
- زیرساخت‌های مورد نیاز برای بهبود گفتگو را اصلاح می‌کنند.
- لکن در اغلب اوقات، حامیان، موانعی برای رسیدن گفتگو بین دولت و بخش خصوصی به اهداف مورد نظر هستند:
- دستورات و معیارهای خود را به کشور میزبان تحمیل می‌کنند.
- دولت و بخش خصوصی را مجبور می‌کنند به‌جای نهادهای داخلی به اولویت‌های آنها پاسخگو باشند.

#### ۴. ساختار نظارت و ارزیابی گفتگوی دولت و بخش خصوصی

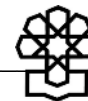
##### ۴-۱. مقدمه

نظارت و ارزیابی، رابطه نزدیکی با برنامه‌ریزی دارد. نظارت یک فعالیت مداوم است که بر تحقق فعالیت‌ها و کاهش بودجه تمرکز می‌کند. نظارت، اصولاً نحوه استفاده از داده‌ها و ستاندها را دنبال کرده و در برخی موارد نیز نتایج را پیگیری می‌کند. در مقابل، ارزیابی در زمان‌های خاص انجام شده و اجازه برآورد فرآیند برنامه را در بلندمدت می‌دهد. ارزیابی، تغییرات را دنبال کرده و بر نتایج و آثار تمرکز می‌کند.

بدون تعریف و تعیین اهداف، موضوعات و فعالیت‌های سنجش‌پذیر در طراحی مراحل گفتگو بین دولت و بخش خصوصی، عملاً نظارت و ارزیابی غیرممکن می‌شود؛ لذا شاخص‌های قابل اندازه‌گیری از الزامات نظارت و ارزیابی مورد نیاز است. همچنین شاخص‌های کمی نیز خصوصاً در مورد نتایج و آثار، باید تدبیر شود.

این بخش، استفاده ترکیبی از شاخص‌های استاندارد و شاخص‌های تغییر یافته را با مقاصد زیر پیشنهاد می‌کند:

- فراهم کردن مبنای عملیاتی برای ارزیابی فرآیندهای مختلف گفتگو بین دولت و بخش خصوصی،
- فراهم نمودن شالوده‌ای ثابت برای سیاست‌های مدیریتی،
- تسهیل یادگیری در داخل گفتگو و بین گفتگو و سازمان‌های درگیر.



## ۲-۴. رهنمودهایی برای مدیریت پروژه

تنظیم و هدایت یک ساختار ارزیابی گفتگو، به طور مؤثر می‌تواند یک رویکرد عمومی سه‌مرحله‌ای را دنبال کند:

### گام اول: طراحی خلاصه پروژه نظارت و ارزیابی

خلاصه پروژه معمولاً باید شامل مواردی از جمله سابقه گفتگو سؤالات اصلی مورد نظر گفتگو و توضیحی درخصوص دیدگاه، روش‌ها و ابزار نظارت و ارزیابی باشد.

### گام دوم: هدایت جریان جمع‌آوری اطلاعات

این گام معمولاً قسمت عمده زمان و منابع فرآیند نظارت و ارزیابی را به خود اختصاص می‌دهد، به خصوص زمانی که تمام اطلاعات مورد نظر به راحتی در دسترس نباشند. در این مرحله باید دقت کرد که از ابزاری برای نظارت و ارزیابی استفاده شود که صحت و اطمینان ارزیابی را تضمین کند. برخی از روش‌های نظارت و ارزیابی شامل بررسی نمونه‌ای، مطالعات موردی، مطالعات ردیابی، یادداشت‌برداری، ارزیابی سریع، مشاهده بصری، مصاحبه فردی و مصاحبه گروهی است.

### گام سوم: نوشتن ارزیابی فرآیند و برآورد آثار

مرحله نهایی، تنظیم گزارش ارزیابی و نظارت است. این گزارش باید شامل کارآیی سازمانی و روند توسعه گفتگو آثار اقتصادی آن و آثار فرآیند اصلاح باشد. با توجه به اینکه گزارش ارزیابی شامل اطلاعات بسیار مفید است، انتشار وسیع آن نیز دارای ارزش است. برای انتشار وسیع گزارش، ضمن حذف اطلاعات محرمانه، گزارش به گونه‌ای باید نگارش شود که برای افرادی نیز که در متن گفتگو نیستند، قابل فهم باشد.

## ۳-۴. ابزارها و روش‌های جمع‌آوری داده‌ها

فهرست کردن مدارک موجود: معمولاً اولین قدم در جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات در دسترس است. براساس این اطلاعات، می‌توان گزارش اولیه را تنظیم کرد. تحقیقات مرجع، معیار و گروه کنترل: در این مرحله می‌توان از اسنادی مانند اسناد منشأ طرح، احکام قانونی، قوانین و مقررات، اسناد برنامه‌ریزی دوره‌ای، صورتجلسات نشست‌ها، ارزیابی‌های موجود داخلی و خارجی و بروشورها استفاده کرد.

نمونه‌گیری از گفتگو: نمونه‌گیری و پرسشنامه مؤثرترین راه برای دستیابی به اطلاعات گروه هدف است، اما معمولاً مستلزم صرف زمان و منابع زیادی است. در این خصوص می‌توان از پرسشنامه‌های استاندارد شده، که سؤالات آن براساس مقصد و هدف مورد نظر تهیه شده، استفاده کرد.

مصاحبه و ملاقات با گروه‌های کانون توجه مرتبط محلی: اولین اقدام در این مرحله، تهیه فهرستی از افراد داخلی و خارجی مرتبط و تعیین اولویت مصاحبه با آنهاست. بسته به میزان زمان و بودجه تعیین شده، می‌توان افراد نهایی را برای مصاحبه انتخاب کرد. یک پیشنهاد برای مصاحبه‌ای خوب، استفاده از سؤالات باز و ادات پرسشی است. همچنین می‌توان از تکنیک‌های مختلف قابل دسترس برای افزایش اعتبار نتایج مصاحبه‌ها استفاده کرد. دو مورد از این تکنیک‌ها شامل تکنیک مصاحبه STAR<sup>۱</sup> (موقعیت، مأموریت، فعالیت و نتایج) و تکنیک پراهمیت‌ترین تغییر است.

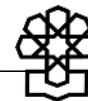
ثبت نتایج: پس از انجام مصاحبه‌ها، سوابق مرتبط باید تا پایان فرآیند نظارت و ارزیابی ضبط و ثبت شود.

#### ۴-۴. ارزیابی فرآیند سازمانی و سیر تکامل گفتگو بین دولت و بخش خصوصی

این بخش بر فرآیند و سیر تکامل سازمان تمرکز می‌کند. ابتدا بر آثار اصلاحات اقتصادی - سیاسی گفتگو بر توسعه بخش خصوصی نگاهی انداخته و سپس آثار گفتگو را بر قانونگذاری و تغییرات اقتصادی بررسی می‌کند. نهایتاً همه اینها باید با هم ترکیب شوند تا بتوان دید کاملی از نتایج گفتگو به دست آورد.

نظارت و ارزیابی، اغلب بر نتایج گفتگو بین دولت و بخش خصوصی تمرکز می‌کند درحالی که فرآیند دستیابی یا عدم دستیابی به نتایج نیز مهم است. تا اندازه‌ای ارزیابی از گفتگو به ارزیابی نظرات ذهنی شرکت‌کنندگان در آن تبدیل می‌شود. یکی از مشکلات در روند ارزیابی، حرکت از سنجش نظرات ذهنی فردی به سمت ارزیابی شاخص‌های میان ذهنی و بررسی متقابل است. یک رویکرد ممکن، بر مبنای پایه‌گذاری شده است که سنجش نظرات می‌تواند اطلاعات مفید و قابل اطمینانی را ایجاد کند. به علاوه، ابزارها و روش‌های دیگری مورد نیاز است تا بتوان نظرات میان ذهنی را با داده‌های عینی و کمی، تطبیق داد. با استفاده از این روش‌ها می‌توان جنبه‌های زیادی را ارزیابی کرد که اصول منشور مورد بحث از آن جمله است.

1. Situation, Tasks, Actions, Results (STAR)



همچنین برای ارزیابی گفتگو بین دولت و بخش خصوصی به شیوه بصری، «چرخ ارزیابی» مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین با استفاده از این روش می‌توان جنبه‌های مختلف از چند گفتگو بین دولت و بخش خصوصی را بررسی متقابل کرد. علاوه بر این، از چرخ ارزیابی برای فهم پویایی گفتگو در زمینه‌های خاص استفاده می‌شود.

**۴-۵. ارزیابی اثر اقتصاد سیاسی گفتگوهای دولت و بخش خصوصی بر فرآیندهای اصلاحات**  
اجزای عملیات ارزیابی، میزان منافع گفتگو بین دولت و بخش خصوصی از اجرای اصلاحات تعیین شده توسط دولت ملی را می‌سنجد. فرآیند اصلاحات اقتصاد سیاسی به سه عنصر وضعیت مطلوب سیاست، قابلیت اجرای اداری و قابلیت اجرای سیاسی بستگی دارد. گفتگو بین دولت و بخش خصوصی می‌تواند در هر سه مورد شرکت داشته باشد، ولی نقش عمده آن افزایش قابلیت اجرای سیاسی است.

فرآیندهای اصلاحات از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در هر مورد، ارزیاب باید فرآیند اصلاحات را در چند دسته تقسیم‌بندی کند. به‌عنوان مثال، یک اصلاح قانونی در سطح ملی در بوسنی و هرزگوین شامل سه مرحله تهیه پیش‌نویس، تصویب در قوه مجریه و نهایتاً تصویب در قوه مقننه است.

#### **۴-۶. ارزیابی در مرحله اجرا**

در مرحله اجرا، معمولاً مدیران می‌خواهند جنبه‌های مختلفی از جمله کاهش بودجه و مشکلات ناشی از فاکتورهای خارجی مد نظر قرار گیرد. در این خصوص، برخی سازمان‌ها بین شاخص‌های داده و ستانده و امثال آن تمایز قائل می‌شوند. همچنین ممکن است مدیر بخواهد جنبه‌های مدیریتی را نیز ارزیابی کند. در کل، با عنایت به ضوابط ارزیابی مانند ارتباط، کارآیی و اثربخشی، می‌توان برای هریک از جنبه‌های مورد نظر، شاخص‌های جداگانه‌ای طراحی کرد. همچنین، می‌توان شاخص‌ها را به دو دسته شاخص‌های مستقیم و غیرمستقیم طبقه‌بندی کرد. شاخص‌های مستقیم مانند سهم جمعیت با درآمد کمتر از یک دلار در روز، مستقیماً به موضوع مورد ارزیابی مراجعه کرده و شاخص‌های غیرمستقیم، به‌صورت غیرمستقیم عمل می‌کنند. علاوه بر شاخص‌های ایجاد شده، می‌توان از شاخص‌های محدود استاندارد نیز برای مقایسه گفتگو بین دولت و بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف استفاده کرد. برای اطلاع از این نوع شاخص‌ها می‌توان به گزارش بانک جهانی در خصوص محیط کسب‌وکار مراجعه کرد.

منبع و مأخذ

Herzberg, Benjamin;Wright,Andrew;"The PPD Hand book". "A Toolkit For Business Environment Reformers",Dfid,The World Bame.



مرکز پژوهش‌ها  
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۰۸۱۸

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: درآمدی بر گفتگوی دولت و بخش خصوصی (تجربه بین‌المللی ناظر به حکم ماده (۷۵) قانون برنامه پنجم توسعه)

نام دفتر: مطالعات محیط کسب و کار

تهیه و تدوین‌کنندگان: حنظله سلیمانی، جواد عرب یارمحمدی

ناظر علمی: سیدمحمدرضا حسینی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: حسین اسدی

واژه‌های کلیدی:

۱. محیط کسب و کار
۲. گفتگوی دولت و بخش خصوصی
۳. ماده (۷۵) برنامه پنجم

تاریخ انتشار: ۱۳۹۰/۳/۱۱